

آموزش و پرورش و جامعه

زهرای فیض آبادی

کارشناس ارشد آموزش و پرورش گرایش پیش از دبستان

مقدمه

● **نوآوری:** آموزش و پرورش می‌تواند منشأ تغییرات اجتماعی نیز

باشد. هر جامعه‌ای دستخوش تغییر و دگرگونی است. در اغلب جوامع تغییر با پیشرفت ارتباط دارد و از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که جامعه را در نیل به پیشرفت یاری رساند.

● **گزینش و تخصیص افراد:** آموزش و پرورش نقش مهمی در

گزینش و تخصیص افراد جامعه به مقامات و مشاغل اجتماعی ایفا می‌کند. آموزش و پرورش سهم مهمی در تسهیل تحرک اجتماعی افراد برعهده دارد.

● **یگانگی اجتماعی:** آموزش و پرورش رسمی، وسیله مهمی

برای تبدیل یک جامعه نامتجانس به جامعه‌ای یگانه و یکپارچه از طریق توسعه و تقویت فرهنگ و هویت مشترک است. این موارد از جمله کارکردهای آموزش و پرورش و بخشی از انتظارات جامعه از آموزش و پرورش هستند. آگوست کنت، پدر علم جامعه‌شناسی می‌گوید: «پیشرفت و ترقی بشر به آموزش و پرورش صحیح بستگی تمام و کمال دارد. زیرا تعلیم و تربیتی صحیح است که حسن تفاهم را بین افراد پرورش می‌دهد.» یعنی جامعه انتظار آموزشی صحیح را به نسل جدید دارد.

وارد، جامعه‌شناس آمریکایی، معتقد است: «تعلیم و تربیت در پیشرفت اجتماع اثر فراوان دارد. زیرا اگر انسان صحیح پرورش یابد، قادر به حل مشکلات موجود خواهد بود و مشکلاتی را که مانع پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی هستند، از بین خواهد برد.

انتظارات جامعه از آموزش و پرورش

جامعه جمعیتی سازمان‌یافته از اشخاصی است که با هم در سرزمینی مشترک سکونت دارند، با همکاری در گروه‌ها، نیازهای اجتماعی، ابتدایی و اصلی‌شان را تأمین می‌کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز شناخته می‌شوند.

آموزش و پرورش از آن نظر در جامعه اهمیت دارد که اگر جامعه‌ای بخواهد اطلاعات و تغییرات مطلوب را سریعاً به مردم منتقل کند، به‌راحتی می‌تواند از طریق نظام آموزشی صحیح و قوی، آن را به تمام مردم به صورت ملموس و مؤثر انتقال دهد و بازخورد

آموزش و پرورش فرایندی ز گهواره تا گور است. در هر جامعه‌ای یافت می‌شود، ولی اشکال گوناگونی دارد، از یادگیری براساس تجربه‌های زندگی تا آموزش و پرورش آموزشگاهی، از اجتماعات صنعتی تا غیرصنعتی، از محیط‌های روستایی تا محیط‌های شهری، و از یک گروه سنی به گروه سنی دیگر. بنابراین آموزش و پرورش پدیده‌ای اجتماعی است و مثل هر پدیده اجتماعی دیگری مورد مطالعه جامعه‌شناسی است.

اهمیت آموزش و پرورش ناشی از گسترش کارکردهای آن است که به‌طور روزافزون آن را به کانونی مورد توجه خاص و عام تبدیل کرده است. اگر آموزش و پرورش را در وسیع‌ترین معنای آن، مسئولیت جامعه تلقی کنیم، در آن صورت هرچه در زندگی اجتماعی اتفاق می‌افتد، آکنده از امکانات و تجربه‌های آموزشی و پرورشی است. از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه را فراهم سازد. پاسخ‌گویی به این انتظارات دامنه گسترده‌ای از کارکردها را برای آموزش و پرورش به‌وجود می‌آورد. از جمله کارکردهای آموزش و پرورش، «انتقال فرهنگ» است. «فرهنگ» شاخص نحوه و روش زندگی است که هر جامعه‌ای برای رفع نیازهای اساسی خود از حیث دوام، بقا و انتظار امور اجتماعی، اختیار می‌کند. به بیان دیگر، فرهنگ، ابزارها و رسوم، معتقدات، علوم و هنرها و همه آن‌چه که جامعه می‌آفریند نیز و به انسان‌ها واگذار می‌کند، فرهنگ نام دارد. در نتیجه، برای تولید دوباره فرهنگ یا بازآفرینی فرهنگی، آموزش و پرورش رسمی ضرورت پیدا می‌کند. برخی کارکردهای آموزش و پرورش از این قرارند:

● **جامعه‌پذیری افراد:** از طریق این کارکرد، انتقال ارزش‌ها، گرایش‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی، به‌منظور اجتماعی کردن نسل‌های جدید جامعه، صورت می‌گیرد.

● **نظارت اجتماعی:** آموزش و پرورش با ابقای ارزش‌ها و وفاداری به نهادهای جامعه، به عنوان سازوکار کنترل اجتماعی عمل می‌کند؛ چون عناد فردی با این موارد، به منزله تهدیدی برای نظم اجتماعی به‌شمار می‌رود. از این رو آموزش و پرورش می‌تواند از طریق تربیت و آموزش اخلاقی، این تهدید را کاهش دهد.

آن را مشاهده کند تا در برنامه‌ریزی‌های بعدی به صورت سریع از آن بهره بگیرد.

جامعه توقع دارد که آموزش و پرورش فقط چرا زیستن را به دانش‌آموزان یاد ندهد، بلکه چگونه زیستن را به آن‌ها بیاموزد. ایوان ایلیچ، در کتاب «جامعه مدرسه‌زدا»، در حالی که استدلال می‌کند بسیاری از آن‌چه که در مدرسه آموخته می‌شود، فراموش می‌شود و نامناسب است، با وجود این در باب آموزش و پرورش به عنوان نقطه مقابل تحصیل می‌گوید: «آموزش و پرورش وابسته است به ارتباط بین دوطرف که بعضی از کلیدهای دسترسی به محفوظات و خیره شدن در اجتماع را در اختیار دارند. آموزش و پرورش وابسته است به سؤال شگفت و غیرمنتظره‌ای که درهای جدیدی برای جست‌وجوگر و شریک او باز می‌کند.» (ایلیچ، ۱۹۷۱: ۱۷).

جامعه انتظار دارد، آموزش و پرورش به شناخت و حل نیازهای فکری کودکان، نوجوانان و جوانان کمک کند. ارتقای کیفی آموزش و تربیت نسلی پرسشگر و خلاق امری ضروری است. هم‌چنین انتظار دارد که آموزش و پرورش افراد را به سمت خلاقیت سوق دهد. به انسانی می‌توان لقب «تخبه» داد و او را شایسته دانست که چه در مسائل علمی و چه در مسائل سیاسی و اجتماعی، ریزبین و جامع‌نگر باشد. از یافته‌های علمی دیگران و جریان‌های فکری و سیاسی اطلاع کافی به دست آورد و در برابر این اندیشه‌های متفاوت و گاه متضاد و متناقض، حساس باشد و قدرت تحلیل مسائل را به دست آورد.

از دیگر انتظارات جامعه از آموزش و پرورش این است که منشأ نظم و بی‌نظمی در بسیاری از مراکز اداری و خانواده‌ها از مدرسه آغاز می‌شود. در این میان باید افراد قوی و دارای معلومات بالا، در مدارس و به‌خصوص دوره‌های ابتدایی و راهنمایی به کار گرفته شوند تا در دوره‌های بالاتر، به‌جای پرداختن به امور علمی، وقت دانش‌آموز صرف مسائل هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نشود؛ که اگر این مسائل رفع شوند؛ بسیار به نفع جامعه خواهد بود.

جامعه ایران اگر قرار است به سلامت از گردنه‌های صعب‌العبور تغییرات اجتماعی که در حال وقوع است، گذر کند، شایسته است که نظام آموزش و پرورش صرف‌نظر از تأخیرهایی که تاکنون در ورود به عرصه مهندسی اجتماعی داشته است، مسئولیت و سهم بیشتری در قبال جامعه به‌عهده گیرد و نقش جدی‌تری را در خروج از بن‌بست کنونی و نیل به جامعه مطلوب ایفا کند.

بسیاری از محققان و اندیشمندان جامعه، ریشه اغلب مشکلات، ناسامانی‌ها، نارسایی‌ها و بحران‌های اجتماعی را در نظام و فرایند آموزش و پرورش جست‌وجو می‌کنند. به‌زعم منتقدان، نظام فعلی آموزش و پرورش پاسخ‌گوی خیل عظیم مطالبات، نیازها و انتظارات جامعه نیست و نیازمند اصلاحات جدی و اساسی است. آموزش و پرورش باید خود را از قیدوبندها و مشکلات بی‌شماری که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، رها سازد و به منزله بازوی روشن‌فکری جامعه، زمینه‌های شکل‌گیری آموزشی و پرورشی انسان‌گرا و مقوم توسعه همه‌جانبه و درون‌زا را فراهم سازد.

جامعه جهانی اینک در حال ورود به مرحله جدیدی از توسعه موسوم به «جامعه سنتی»^۲ و «اقتصاد مبتنی بر دانش»^۴ است که در اثر آن، هم سامانه‌های تولید و توزیع کالا و خدمات، و هم سامانه‌های تولید، توزیع، تبدیل و ترویج دانش، دچار دگرگونی‌های اساسی خواهد شد. برای نیل به چنین جهشی بلندی، باید سامانه اقتصادی خود را به یک سامانه یادگیرنده و تبدیل کارخانه و صنعت به مدرسه و دانشگاه و بالعکس، تبدیل کند. پیمودن بخش عظیمی از این مسیر متوجه آموزش و پرورش به منزله زیربنای فرهنگی و معرفتی سایر بخش‌هاست. جامعه اقتصادی، نیروی انسانی خود را از این بخش تحویل می‌گیرد و انتظار دارد که نیروی انسانی قوی در اختیار داشته باشد. جامعه انتظار دارد که آموزش و پرورش سنت‌هایی مثل احترام به اقتدار، اطاعت از قانون، میهن‌دوستی و ... را حفظ و تحکیم کند. از سوی دیگر انتظار می‌رود که موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه را فراهم سازد.



هر کشور و جامعه‌ای، در همه جا و همه وقت به اصالت فرهنگی خود افتخار می‌کند. بر آن تأکید دارد و همواره می‌کوشد با قدرت و غرور این هویت را زنده کند. هویت، تاریخ، آداب و رسوم، اعتقادات، ادبیات و هنر هر جامعه، معرفت‌شناسه‌های فرهنگی آن جامعه است و آن را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد. امروزه که تهاجم فرهنگی در جهت نابودی فرهنگ کشورهای اسلامی و جهان سوم به شدت ادامه دارد، آموزش و پرورش رسالت دارد که در تکوین هویت فرهنگی بکوشد.

جامعه انتظار دارد آموزش و پرورش طوری تنظیم شود و رسالت خویش را انجام دهد که نسل‌های آینده با انگیزه صحیح و براساس استعداد و علاقه بتوانند متغیرهای فرهنگی را درک کنند و گام‌های موفقیت را به خوبی بردارند. آموزش و پرورش یک نهاد ارزشی محسوب می‌شود که جامعه از آن انتظار دارد همواره یادگیری را بهبود بخشد و ارزش‌های اسلامی - ایرانی را به کودکان، نوجوانان و جوانان آموزش دهد. عشق به یادگیری، همکاری در ارتباطات روزانه، مهارت در کسب دانش و بینش، مهارت‌های زندگی و تفکر خلاق را مورد تأکید قرار دهد. تقویت آداب و مهارت‌های زندگی، تقویت آموزه‌های مربوط به فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، پژوهش محوری و سازمان‌دهی امور پژوهشی، کاربست یافته‌های پژوهشی، و پروژه‌های غنی‌سازی فکری را در برنامه‌های خود بگنجانند و تقویت کند. جامعه انتظار دارد تغییرات علاوه بر سطوح دانشی، نگرش، بینش و رفتارهای فردی و گروهی دانش‌آموزان را دربرگیرد. برای مثال دانش آموز پس از گذراندن دروس تعلیمات اجتماعی، تاریخ و هنر، کمک به دیگران از جمله افراد ضعیف و نیازمند جامعه را یک حق و تکلیف برای خویشتن تلقی کند و از انجام این کار حسنه، لذت ببرد و احساس رضایت کند. همچنین، درمقابل اهانت به مقدسات و ارزش‌های دینی، واکنش داوطلبانه نشان دهد.

جامعه انتظار دارد که در شرایط و وضعیت موجود، خروجی آموزش و پرورش تاسطح محصول و برون‌داد نباشد، بلکه انتظار جامعه را تاسطح پیامد و نتایج و وضعیت مورد انتظار برآورده سازد. برنامه‌های آموزشی مدارس که بیشتر در قالب کتاب‌های درسی و با روش‌های سنتی اجرا می‌شوند، قادر نخواهند بود دانش، نگرش، بینش و رفتار دانش‌آموز را با باورها و مبانی ارزشی جامعه متناسب سازند. برای مثال، فارغ‌التحصیلان به رغم قبول شدن و کسب نمره‌های ۱۸ و ۱۹ در درس تاریخ یا تعلیمات دینی و اجتماعی، از موقعیت‌ها و رفتارهای اجتماعی سالم و قابل انتظاری برخوردار نیستند. بنابراین آموزش و پرورش در جهت اثربخشی خود باید بکوشد.

انتظارات آموزش و پرورش از جامعه

آموزش و پرورش مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی برای جامعه است و کلیدی‌ترین عنصر در توسعه جامعه و مردم آن است که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت‌های گوناگونی برخوردار باشند.

توشیرو مکلو، یکی از معماران توسعه‌ی ژاپن، امروزه نقش‌سازنده، بارورکننده و رشددهنده انسان و آموزش و پرورش را در فرایند توسعه

اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می‌کند: «ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی. ما فقط یک منبع در اختیار داریم و آن ظرفیت ابداع مغزهایمان است. این منبع پایان‌ناپذیر را باید ترکیب کرد، تمرین داد و مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه در آینده نزدیک گران‌بهارترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود.» در کشور ژاپن تربیت انسان‌ها، مهم‌ترین مسئله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می‌کنند، افراد بسیار محترم و دارای جایگاه اجتماعی والایی هستند. همین آموزش‌دهندگان هستند که در واقع توسعه و زمینه‌های آن را از طریق تربیت شهروندان آگاه و مسئول فراهم می‌آورند و آموزش و پرورش است که می‌تواند فرهنگ شهروندی را ارتقا بخشد.

با توجه به این که دانش‌آموزان و فرزندان ما بیشترین و بهترین ایام عمر خود را در محیط‌های آموزشی و در کنار معلمان سپری می‌کنند، و از سوی دیگر، با عنایت به نجابت، تعقل، آرامش، سلامت نفس، خلوص و اثربخشی صنف معلمان، این محیط و این قشر سالم‌ترین و قابل اعتمادترین حلقه جامعه برای بسترسازی و نهادینه کردن تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. آموزش و پرورش انتظار دارد، مسئولان و مدیران ارشد جامعه دقایقی از وقت خود را صرف آموزش و پرورش و بحران‌های عمیق آن کنند.

گفته می‌شود که قریب ۱۵ درصد از بودجه و منابع دولتی، در آموزش و پرورش هزینه می‌شود. اما با توجه به رسالت خطیر و سنگین نظام آموزشی و گستره تحت پوشش آن، افزون بر ۹۰ درصد بودجه مزبور صرف هزینه‌های جاری و کارکنان می‌شود و قاعدتاً دیگر بودجه‌ای برای ارتقای کیفی و به روز کردن اطلاعات معلمان و نظام آموزشی و تجهیز مدارس و نوسازی آن‌ها باقی نمی‌ماند. آموزش و پرورش انتظار دارد که آن را مهم‌ترین عامل توسعه فرهنگ اسلامی و ایرانی و وحدت ملی و توسعه اقتصادی و نظامی نظام مقدس اسلامی بدانیم و با تخصیص بودجه کافی به امر آموزش و پرورش، از برنامه‌های آن حمایت کنیم تا بتواند مسئولیت خود را بهتر ایفا کند.

پی‌نوشت

1. culture
2. social integration
3. knowledge society
4. knowledge based Economy

منابع

۱. علاقه‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. نشر روان. تهران. ۱۳۷۵.
۲. بازخوانی انتظارات از آموزش و پرورش، سایت اسلام‌گرا.
۳. بهروش، علی. آموزش و پرورش و رسالت تربیت شهروندی.
۴. هیگن بانم، پی‌جی. اهداف آموزش و پرورش. ترجمه مجید طرقي و محمد عبداللهی. انتشارات به‌نشر. ۱۳۸۵.
۵. نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، سایت گوگل.
۶. حسن‌زاده، احمد. نقش آموزش و پرورش در انضباط اداری. انتشارات مدرسه. ۱۳۸۲
۷. گروه جامعه سایت تبیان زنجان.
۸. سایت شبکه ملی مدارس رشد.